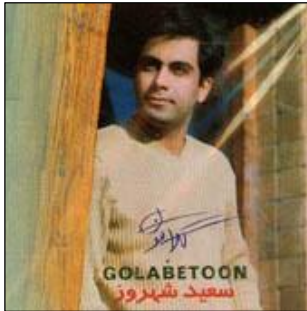


گلابتون



■ ننه خورشید

ننه خورشید به پسر داشت
کاکلش رنگ طلا بود
چشمش از پولک آبی
حنجرش پر از صدا بود
ننه شب به دخترک داشت
پوستش از حریر مهتاب
تو چشماش صد تا ستاره
گیساش از ابریشم ناب
دنبال دختر شب بود
پسر عاشق خورشید
اما تو گردش تقنیر
اون و یک لحظه نمی دید
گاهی میزد زیر آواز
وقتی که تنها می موندش
رو به تاریکیه جاده
با چشای باز می خوندش
هر جای قصه که باشی
دلم از تو دور نمیشه
تنها جای امن دیدار
و عده گاه گرگ و میشه
آی گرگ و میشه
آی گرگ و میشه
دختر شب قصه هاش و
تو دل خودش می خوندش

تا سپیده گوش به زنگ
صدای پسر می موندش
ننه شب میگه صدای
دخترش یه جرم زشته
همیشه قصه نورو
دستای سایه نوشته.
اما عمر قفل و زنجیر
از قدیما بی دومه
وقتی دخترک می خونه
کار تاریکی تمومه
دختر ساکت قصه
حرفاشو یه روز می خونه
صداش و به گوش خورشید
می رسونه ... می رسونه
می خونه مرد طلایی
دلَم از تو دور نمیشه
همه ی عمر من و تو
بعد از این تو گرگ و میشه

■ چشمهای تو یعنی وطن

با شکوهی مثل آواز عشایر وقت کوچ
مثل رقصیدن مردای سفید پوش بلوچ
مثل نقش کاشی کاری روی طاق اجری
مثل ضربه دهل توی ترانه لری
تو قشنگی مثل نقش سینه ریز نقره کوب
مثل لحجه قشنگ ماهی گیرای جنوب
قصه دف زن کرد یا سوار ترکمن
نمی زاری تن بدم به ننگ آواره شدن
هم خاک من هم خاطره چشمای تو یعنی وطن
از عطر تو شروع شدن مرزای سرزمین من
بی دریغی مثل جنگلهای تن سبز شمال
مثل چشمه ای که جا می شه تو کوزه سفال
رو سر انگشت تو ان حلال ماه دشت لوت
منو بیروون می کشی از توی باتلاق سکوت
ساده ای درست مثل بومیای ساده کیش
مثل کوچه های یزدو خونه های کا گلپش
تو مثل جادوی ساز عاشقای اذری
نمی زاری تن بدم به غربت و دربدری
هم خاک من هم خاطره چشمای تو یعنی وطن
از عطر تو شروع شدن مرزای سرزمین من

■ گلابتون

آهای گلابتون، ابرو کمون کجای کاری
دارم پیر مېشم و از دل من خبر نداری
با من امروز و فردا میکنی مثل همیشه
مگه سنگه دلت که تا ابد میگی همیشه همیشه
آهای گلابتون، برم قربونتون
چقدر حوصله داری
دل و دل میکنی، آب رو گل میکنی
هزار تا گله داری
دل و دل میکنی، آب رو گل میکنی
هزار تا گله داری
اگه از من و دل خسته شدی حاشا نداره
با من قهر میکنی طفلی دلم فکر فراره
واسم ناز میکنی مثل قدیم اما همیشه
همیشه باورم عشق منی مثل همیشه همیشه
آهای گلابتون، برم قربونتون
چقدر حوصله داری
دل و دل میکنی، آب رو گل میکنی
هزار تا گله داری

■ وقتشه

وقتشه از عشق تو دل بکنم
مثل تو که رو دلت پا میزاری
میخوام این روزا مال خودم باشم
این مهم نیست که منو دوست نداری
دیگه فرقی واسه من نمیکنی
انگاری بود و نبودت یکیه
تا میام دوباره عاشقت بشم
میبینم پشت سرم تاریکیه
خواب چشمامو حروم کردی رفیق
گل میخواستم تو به خوار بودی رفیق
من ساده تو رو ناجی میدیدم
تو واسم طناب دار بودی رفیق
خوش به حالت دل دیوونه من
تو رو نشناخته عبادت میکنه
داره ذره ذره میمیره ولی
به ندیدن تو عادت میکنه
خوش به حالت تو که عاشق نشدی

منو بی بهونه تنها میزاری
و قشقه دل رو به دریا بزنم
این مهم نیست که منو دوست نداری
خواب چشمامو حروم کردی رفیق
گل میخواستم تو به خوار بودی رفیق
من ساده تو رو ناجی میدیدم
تو واسم طناب دار بودی رفیق

■ عطر بارون

از همه زمینها زمینی تر
چرا رنگ آسمونه اون چشات
تو نگفتی پای قولت میمونی؟
چرا قولتو گذاشتی زیر پات
عاشق عطر خوش بارونو خواب
پس چرا کویر خشکه اون دلت
گل عشقو چرا پرپر میکنی
چی میشه از این دورنگی حاصلت
تو که دریارو تو رویا میدیدی
چرا ساکت مثل مردابی شدی
فکر میکردم که همیشه میمونی
مثل رویا تو دل خوابی شدی
تو که قلبت مثل چشمت جاری بود
واسه چی برای من سراب شدی
گفتی مثل کوه رو حرفت میمونی
مثل نقشی تو دل آبی شدی
بیا دست بردار از این دورنگیا
این همه دروغ و نیرنگ و ریا
بدی کردی من فراموش میکنم
اما این بار مثل عاشقا بیا...

■ بی بی شرقی

غزل چشم سباهت شب بیدامو چراغون میکنه
به چیزی داره نگاهت منو تا معجزه مهمون میکنه
دست تو مخمل پالسه روی التماس گونه های من
شونه هات محرمه با من شرم گریه هامو پنهنون میکنه
تو کی هستی که به جز تو با همه دنیا غریبی میکنم
قسم چشماتو خوردم که به عمری خود فریبی میکنم
اگه بیدارم و خوابم بذار خوش باشم از این عشق
من هزار و یکشیم رو فدای خاطر بی بی میکنم
بی بی شرقی من منت گفتن نداره

میدونم عشق های امروز نه به باره نه به داره
اما من به هر بهونه با تو دلباخته ترینم
این هم از بخت بد ماست من همینم که همینم
غزل چشم سیاهت شب یلدامو چراغون میکنه
یه چیزی داره نگاهت منو تا معجزه مهمون میکنه
دست تو مخمل یاسه روی التماس گونه های من
شونه هات محرمه با من شرم گریه هامو پنهنون میکنه
با تو قیمتی ترینم ابرک قلّه نشینم
بی تو ای خودبتر از من مثل حلقه بی نگینم
با تو قیمتی ترینم ابرک قلّه نشینم
بی تو ای خودبتر از من مثل حلقه بی نگینم

■ ابلیس

با اون دو چشمون خیس
هنوز تو مثل ابلیس
می خورم که باورم شه
شب، شب عاشقی نیست
حادثه نیست ایا نیست،
هیچ کی تو قصه ها نیست
میون این هیاهو
هیچ کی به فکر ما نیست
وقتی بازم با گریه،
سر رو شونه ات میذارم
یواشکی میگی که،
دیگه دوست ندارم
از سقف شب ستاره،
می باره چیکه چیکه
آتیش می گیره مهتاب،
با قلب تیکه تیکه
با اون دو چشمون خیس،
هنوز تو مثل ابلیس
می خورم که باورم شه
شب، شب عاشقی نیست
کی هستی، تو کی هستی
فرشته ای یا ابلیس
که دیگه خیلی وقته
دلم باهات یکی نیست
تو میری و شب من
میشکنه باز دوباره
بی تو غم نمومی
نداره که نداره
با اون دو چشمون خیس

هنوز تو مثل ابلیس
می خوای که باورم شه
شب، شب عاشقی نیست
حادثه نیست ایا نیست،
هیچ کی تو قصه ها نیست
میون این هیاهو،
هیچ کی به فکر ما نیست
با اون دو چشمون خیس
هنوز تو مثل ابلیس
می خوای که باورم شه
شب، شب عاشقی نیست
حادثه نیست هوا نیست
هیچ کی تو قصه ها نیست
میون این هیاهو،
هیچ کی به فکر ما نیست
وقتی بازم با گریه،
سر رو شونه ات میذارم
یواشکی میگی که،دیگه دوست ندارم
از سقف شب ستاره،می باره چیکه چیکه
آتش می گیره مهتاب،با قلب تیکه تیکه
با اون دو چشمون خیس،هنوز تو مثل ابلیس
می خوای که باورم شه،شب، شب عاشقی نیست

■ مهتاب

مهتاب خسته من تسلیم آسمونه
پروانه دل من آتش نمی سوزونه
چشمای سنگی شب خیره به کوچه مونده
ستاره تا ستاره ترانه دل سوزونده
مهتاب خسته من تو خواب این خزونه
ندید که چشمای من همش به آسمونه
ندید که گریه کردم وقتی به ابرا خندید
وقتی که قلب شبنم از بغض برگا لرزید
کاشکی هنوز ترانه،ترانه سحر بود
که توش دل کوچیکم از همه دنیا سر بود
کاشکی برای پرواز میشد ترانه ای داشت
از اون همه پرستو خط و نشونه ای داشت
حالا تو این غریبی چه ناز نینه مهتاب
مهتاب خسته من باید بیدار شه از خواب
باید بدونه دیره برای ناز پاییز
که فرصتی نمونده تواین شب غم انگیز
باید بدونه دیره برای ناز پاییز
که فرصتی نمونده تواین شب غم انگیز

اولین بار

کجا دیدم تو رو من اولین بار
کجا دیگر ندیدم آخرین بار
اگه صدبار دیگه زنده بودم
تورو هر دفعه دیدم ، مثل این بار
کجا بودم که تو که تو اونجا نبود
خودم شاید نبودم تو که بودی
همه ذوق ترانه بغض شعرو
فقط من می نوشتم تو سرودی
تو رو میشناسم انگار مثل دردام
مثل اشکی که مونده توی چشمم
تورو می خوام که از تو زنده باشم
که با تو میزنه نبض نفس هام
نمی دونم کوم از ما شده ماه
که بی تابه برآش تصویر تو چاه
یکی اونجا یکی اینجا چه دوریم
تفاوت بینمون به آسمون راه
نمی دونم کی تو آیینه ست تو یا من
چقدر از مرز قلبت راهه تا من
تو بیداری و خوابم توی شعرم
بخون ای هم نفس همواره با من
تو رو میشناسم انگار مثل دردام
مثل اشکی که مونده توی چشمم
تورو می خوام که از تو زنده باشم
که با تو میزنه نبض نفس هام

چوب حراج

وقتی که گریه ام میگیره دلم میگه مبارکه
قدر اشکاتو بدون هنوز چشبات بی کلکه
وقتی که گریه ام میگیره به آسمون بارونی ام
اما به کی بگم خدا من تو دلم زندونی ام
سرمو بالا میگیرم کسی جوابم نمیده
خیلی شباس به رهگذر به گریه هام نخندیده
چه روز و روزگاریه من و به دنیا بی کسی
شدم به مشت خاطره به کوره دلواپسی
می خوام تلافی نکنن حرمت دل رو میشکنن
دارن به جرم سادگیم چوب حراج میزنن
تو این ولایت غریب دل مرده ها عزیزترن
قحطی عشق عاشقاس قلب های سنگی می خرن
تو این ولایت غریب دل مرده ها عزیزترن

■ **بیره ن آبی**

بیره ن آبی تنت کن که بهت خیلی میاد
تا نسیم تابش میده دریا رو یادم میاره
روسریت سفید باشه رنگ تن روشن برف
وقتی که از آسمون روی زمین پا میذاره
دور نشو قدم قدم، نفس نفس کنار می
بیا که با هر قدم هر، نفس هر آدمی
می کشم پر تو هوا سر به هوات عمری میشم
تو که تنها کلید قفلای انتظار می
گاهی احساس می کنم ترانه هام کم میارن
واسه گفتن قشنگیت منو تنها میذارن
نمیشه نه همیشه واژه ها لالین به خدا
مثل باغ بی بهار همیشه کالین به خدا
تا میام چیزی بگم کمی از اون ناز ادا
میبینم از حسودیش قهر میکنه شب سیا
دور نشو قدم قدم، نفس نفس کنار می
بیا که با هر قدم، هر نفس هر آدمی
میکشم پر تو هوا سر به هوات عمری میشم
تو که تنها کلید قفلای انتظار می

WwW.Saeid-Shahrouz.Blogfa.Com

با تشکر از میترای عزیز